

روزشمار جنگ

پنجشنبه

۱۶ مرداد ۱۳۵۹

۲۵ رمضان ۱۴۰۰

۷ اوت ۱۹۸۰

۱۸۷

بحران و تنش روزافزون در روابط و مناسبات ایران و عراق و نیز ایران و امریکا، از دلایل عمده نزدیکی دوسویه غرب، به ویژه امریکا و رژیم عراق می باشد. مناسبات اخیر تجاری و نظامی عراق با امریکا، فرانسه، ایتالیا و برخی کشورهای غربی دیگر در همین چارچوب صورت می گیرد. همچنین است نزدیکی عراق به کشورهای غرب وابسته به بلوک غرب.

در این حال به گزارش واشنگتن پست، این نزدیکی موجب بروز نگرانی هایی در میان اعضای کنگره امریکا شده؛ چراکه عراق از جمله کشورهایی است که همیشه از تروریسم بین المللی حمایت کرده است. پرزیدنت کارتر در ماه دسامبر گذشته، شخصاً از عراق، لیبی، یمن جنوبی و سوریه به عنوان کشورهایی نام برد که بارها از تروریست های بین المللی حمایت کرده اند. ایالات متحده و عراق دارای مناسبات سیاسی نیستند، اما بخش های حفظ منافع دو کشور که در سفارتخانه های تعطیل شده یکدیگر است، در واشنگتن و بغداد فعالیت می کنند. عراق علاوه بر اینکه یکی از صادرکنندگان عمده نفت است،* یکی از بزرگترین نیروهای نظامی منطقه خلیج فارس را نیز در اختیار دارد. به همین دلیل دولت امریکا کوشیده است عراقی ها را به از سرگیری مناسبات که در طول جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی قطع شده بود، تشویق کند. هرچند تاکنون نتیجه ای از این کوشش ها به دست نیامده است، مقام های امریکایی معتقدند که با کاهش وابستگی های اقتصادی و نظامی عراق به شوروی و ادامه درگیری های آن کشور با ایران، مناسبات واشنگتن و بغداد در موقعیت بهتری قرار گرفته است.

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی نوشته است که «علی رغم نبودن پیوندهای رسمی بین عراق و ایالات متحده، میزان دادوستد بین دو کشور افزایش درخور توجهی یافته است. این میزان در سال گذشته از مرز یک میلیارد دلار گذشت. امریکا بیش از ششصد میلیون دلار کالا

* ضمیمه دارد؛ نگاهی به درآمدهای نفتی عراق در گزارش نشریه اخبار مالی بین المللی.

که بیشتر آن نفت بود از عراق خریداری کرد و در مقابل پانصد میلیون دلار کالا که بیشتر فراورده‌های کشاورزی و ماشین‌آلات صنعتی بود به عراق فروخت.^(۱)

درمورد نزدیکی عراق به کشورهای عرب و وابسته به بلوک غرب، می‌توان به سفر غیرمنتظرهٔ اخیر صدام به عربستان سعودی که پس از انجام مذاکراتی با رهبران عربستان، دیروز خاتمه یافت، اشاره کرد. به نوشتهٔ روزنامهٔ عربی‌زبان *الشرق الاوسط* چاپ لندن، صدام حسین پس از ترک طائف، در تلگرافی به ملک خالد بر ضرورت اقدام مشترک کشورهای عربی در مقابله با خطرها و تهدیداتی که امت عرب و مقدسات و حاکمیت آن را تهدید می‌کند، تأکید کرد. صدام حسین گفته است: «در این مذاکرات، ضرورت مقابلهٔ آگاهانه و قاطع با هر فردی که خواستار آسیب‌رساندن به امت ما و مقدسات ما می‌باشد، مورد تأکید قرار گرفت.»^(۲)

همچنین، رادیو کلن ضمن تحلیل کوتاهی دربارهٔ این سفر غیرمنتظره، با اشاره به نمازگزاردن صدام حسین در مسجدالحرام، در تفسیر تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر منطقه و نیز بررسی مناسبات و روابط ایران و عراق گفت: «صدام حسین یک عرب مسلم است و از نظر ایدئولوژی متمایل به کار سوسیالیستی است. عشق‌ورزی نمایشی صدام حسین به اسلام از این‌رو بایستی به‌عنوان یک ژست سیاسی ادای احترام در برابر میزبانش ملک خالد که شخصی سخت مؤمن است، به‌ویژه در برابر رهبری ایران به حساب آورد؛ چون مسئولان امور ایران از این کار خسته نمی‌شوند که دستگاه رهبری عراق و در رأس آن صدام حسین را به‌عنوان جنایتکار معرفی کنند.» این رادیو در پایان می‌افزاید: «هنوز نمی‌توان دربارهٔ اثرات نزدیکی بین عراق و عربستان سعودی به‌طور درازمدت پیش‌بینی‌هایی کرد، ولی باید متذکر گردید که این اولین دیدار یک رئیس‌جمهور عراق از عربستان سعودی از زمان سقوط رژیم سلطنتی در عراق است. عراق و عربستان سعودی در حال حاضر بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکنندهٔ نفت در خاور نزدیک هستند و نفوذ این کشورها بدین ترتیب به‌طور چشمگیری به فراسوی شبه‌جزیرهٔ عرب می‌رسد.»^(۳)

۱۸۸

تحركات نظامی عراق در غرب کشور امروز نیز ادامه یافت.

شهر قصرشیرین امروز زیر آتش سنگین توپخانهٔ عراق قرار داشت. در ساعت ۱۸، شش گلولهٔ توپ به این شهر اصابت کرد که بر اثر آن یک پیرمرد، یک پیرزن و یک کودک کشته و ۲ نفر زخمی شدند.^(۴) همچنین، در همین منطقه، پاسگاه‌های هوان و تپله‌کوه از ساعت ۱۹ تا ۲۱، با ارتش بعث عراق درگیر بودند.^(۵) از ساعت ۴ بعدازظهر تا ساعت ۹:۳۰ شب و از ساعت ۱۱ تا نیمه‌شب نیز در همین منطقه مهاجمان مسلح ضدانقلاب در یک عملیات مشترک و با پشتیبانی آتشباری ارتش عراق به نیروهای سپاه پاسداران مستقر در بلویسی، هوان و تپهرش هجوم بردند. مهاجمان بعثی که بیش از ۵۰۰ نفر بودند، از سلاح‌هایی از قبیل آر.پی.جی. ۷، تیربار

کلاشینکف و برنو استفاده می‌کردند و از طرف توپخانه عراق پشتیبانی می‌شدند. این درگیری تا ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب، ادامه داشت.^(۶)

در ساعت ۲۳ نیز یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در منطقه باوئسی با نیروهای بعث عراق درگیر شدند و ارتش جمهوری اسلامی ایران به آتش توپخانه دشمن پاسخ داد.^(۷) مین‌گذاری و بمب‌گذاری در مسیر ستون‌ها و محل رفت‌وآمد نیروهای خودی نیز از دیگر تحرکات ایزدایی این گروه‌ها است. گزارش خبرگزاری پارس به نقل از بخشدار جوانرود، حاکی است: «پاسداران انقلاب اسلامی در مسیر خانه‌شور، ۱۳ مین ضدتانک را که توسط عمال مزدور عراق کار گذاشته شده بود کشف و خنثی کردند.»^(۸)

در این حال، تحرکات مرزی نیروهای عراق در مناطق مرزی استان خوزستان نیز ادامه داشت. بنا بر گزارش ژاندارمری کل کشور: «در ساعت ۱۶ امروز، یک دستگاه خودرو حامل ۲۰ نفر با تجهیزات کامل در پاسگاه سوبله عراق پیاده نمود که در داخل سنگرهای مربوطه مستقر گردیدند.»^(۹) همچنین، گزارش واحد هماهنگی نیروهای انتظامی خرمشهر به نقل از مخبرین خود حاکی است: «در چند روز اخیر مهندسین نیروی دریایی کشور عراق اقدام به نقشه‌کشی در جزیره ام‌الرصاص نموده‌اند. این اقدام جهت تأسیس پایگاه نظامی در جزیره ام‌الرصاص می‌باشد.» البته در ذیل این گزارش اضافه شده: «باتوجه به احداث سریع پل نظامی بین کوت‌زین و جزیره ام‌الرصاص، احتمالاً خبر صحت دارد.»^(۱۰)

هم‌زمان با درگیری‌های مرزی، عوامل داخلی وابسته به عراق در استان خوزستان نیز بازم اقدام به تحرکات ایزدایی و بمب‌گذاری کردند. به گزارش سپاه خرمشهر: «نیمه‌شب پنجشنبه، ۶ موشک آر.پی.جی. ۷ به وسیله ضدانقلابیون به طرف انبارهای عمومی واقع در پنج کیلومتری خرمشهر، پرتاب شد که خساراتی به بار نیاورد.»^(۱۱) در اهواز نیز در ساعت ۲۲:۴۰ امروز، بمبی که بر روی خط آهن ایستگاه بام دژ - آهودشت کار گذاشته شده بود منفجر شد. انفجار این بمب تلفات جانی نداشت و فقط شیشه‌های لکوموتیو یک قطار مسافری عادی شکست و زیر آن آسیب دید.^(۱۲)

۱۸۹

موضع اصلی حزب توده به‌طور کلی، هم‌سویی ظاهری با نظام جمهوری اسلامی، البته بدون ذکر اسلامی آن و مخالفت شدید با امریکا و کشاندن و تلاش برای ترغیب مسئولان نظام به طرف اتحاد جماهیری سوسیالیستی شوروی به عنوان جایگزینی برای بلوک غرب و امریکا است. در بحث درگیری‌های خونین مناطق غرب کشور نیز موضع حزب توده، باتوجه به عوامل اطلاعاتی و نفوذی قوی خود در میان گروه‌های سیاسی و نظامی معاند با نظام، کوبیدن جریان قاسملو، حمایت از انشعابیون از حزب دمکرات کردستان ایران همچون غنی بلوریان و افشاگری درمورد جریان قاسملو است، البته بدون اینکه از گروه‌های چپ دیگر که علیه نظام

جمهوری اسلامی در این منطقه می‌جنگند سخنی به میان آورد. این مواضع، همه در راستای تلاش برای نزدیک کردن هرچه بیشتر ایران به بلوک شرق است. درارتباط با این موضع کلی و باتوجه به عوامل اطلاعاتی این حزب در گروه قاسملو، دو مقاله از نشریه نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده، قابل توجه است. این نشریه امروز در دو مقاله جداگانه درباره توطئه‌های دولت بعثی عراق علیه انقلاب اسلامی ایران و نیز وابستگی عبدالرحمن قاسملو، دبیرکل حزب دمکرات کردستان به عراق، دست به افشاگری دیگری زده است. در بخشی از مقاله اول تحت عنوان "توطئه‌های دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران تشدید می‌شود" آمده است:

«دولت بعثی جنایتکار عراق همه امکانات خود را برای مقابله با انقلاب ایران و براندازی نظام جمهوری اسلامی در کشور ما به کار گرفته است و طرح‌های توطئه و خرابکاری، تجاوز نظامی، اعزام گروه‌های خرابکار و جاسوس به ایران را با توطئه جدید امپریالیسم امریکا علیه ایران، که پس از کشف کودتای ۱۸ تیر و دستگیری عاملین آن ازجانب دولت کارتر درحال تدارک است، هماهنگ می‌سازد. تشدید و گسترش درگیری‌های مسلحانه در نواحی مرزی ایران و زیرآتش گرفتن مستمر این نواحی ازجانب نیروهای مسلح عراق و حمله به پاسگاه‌های مرزی، تمرکز واحدهای بزرگ مکانیزه ارتش عراق در مرزهای ایران، با اقدامات جنایتکارانه عمال بعثی درمورد ربودن اتومبیل‌های ایرانی و بازگرداندن آنها با مواد منفجره به قصد خرابکاری و آدمکشی، مؤید خبر مربوط به تشدید اقدامات خرابکاری و تحریکات نظامی دولت بعثی عراق علیه انقلاب ایران است. ... در طرح توطئه جدید امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، عمده‌ترین نقش اجرای طرح را دولت بعثی عراق به عهده گرفته است که علت آن، علاوه بر ماهیت ضدخلقی و ضدانقلابی رژیم بعثی حاکم بر این کشور، بیم از گسترش نفوذ و تأثیر انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی ایران است که می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای رژیم دیکتاتوری حاکم بر عراق داشته باشد. ...»^(۱۳)

در نوشتار دیگری با عنوان "سند وابستگی قاسملو به بعث عراق" آمده است:

«سندی که کلیشه آن را به همراه ترجمه‌اش ملاحظه می‌کنید، نامه‌ای است از عبدالرحمن قاسملو، در تاریخ ۱۰ خردادماه ۱۳۵۹ برای یکی از مسئولین حزب دمکرات کردستان که رابط [ی که] میان قاسملو و جنایتکاران بعث عراق است، [آن را] نوشته است. چنان‌که واضح است، قاسملو با خاکساری یک مزدور سرسپرده در قبال اربابش، تمامی تقاضاهای حکام بعث عراق را به جان می‌پذیرد و تمامی شرایط آنها را تقبل می‌کند و فقط در مقابل، خواستار آن می‌شود که فاشیست‌های بعثی، تنها و تنها او و همفکران او را به عنوان عامل خود در ایران به رسمیت بشناسند و تنها و تنها وی را برای توطئه و تحریک علیه جمهوری اسلامی ایران و خلق دلاور کرد مسلح کنند.» نامه مردم سپس کلیشه کردی نامه را به همراه ترجمه آن آورده است. ترجمه نامه چنین است:

«برادر گرامی...، پس از سلام‌های گرم، پیشمرگ‌های کاک محمود آمدند. خیلی ممنون. این هم "قه‌ناسه"^(۱۴) که به‌وسیله کاک... برایت می‌فرستم. روز دوشنبه کاک ملارحمان نزد شما می‌آید تا باهم به آن‌سوی مرز بروید. جواب ما هم درباره تقاضاهای آنان [عوامل رسمی رژیم عراق] بدین قرار است: ۱. درمورد محدود کردن گروه‌های عراقی تا از طریق کردستان به عراق حمله نکنند، ما فعالیت می‌کنیم و درستش می‌کنیم. ۲. در مورد تقاضایشان که ما دو نفر را به آنجا بفرستیم و آنان نیز دو نفر نزد ما بفرستند، نظر ما این است: شما تاکنون اسلحه و مهمات زیادی به آن دسته و گروه داده‌اید، اما چنین شرطی که نماینده خودتان را نزد آنان بفرستید، برایشان نگذاشته‌اید. حال چطور شده که این تقاضا را از ما دارید؟ باشد، ما قبول می‌کنیم، اما تقاضایمان از شما این است که به گروه‌های دیگر کمک تسلیحاتی و غیره نکنید، مگر با اطلاع ما. برای برادران سلام زیاد دارم.

برادرت قاسملو. ۱۳۵۹/۳/۱۰.^(۱۴)

۱۹۰

درباره تحرکات مسلحانه گروه‌های درگیر در مناطق کردنشین، امروز نیز گزارش‌هایی از کامیاران، بانه، سقز، مریوان، سنندج و ارومیه به مراکز ذی‌ربط واصل شد.

در بانه، در ساعت ۲۱:۳۰، پاسگاه سته زیر آتش قرار گرفت که مأموران به آتش آنان پاسخ دادند. گزارش گروهان بانه حاکی است تیراندازی پراکنده در تمام طول شب بین مهاجمان مسلح غیرقانونی و سپاه پاسداران در سطح شهر وجود داشته است.^(۱۵)

در کامیاران، در ساعت ۲۲:۳۰، مهاجمان ضدانقلاب به یگان‌های مستقر در این شهر، از ضلع جنوب‌غربی به‌وسیله خمپاره‌انداز و سلاح‌های دیگر حمله کردند که نیروهای خودی به آتش آنها پاسخ گفتند و درگیری در طول شب ادامه یافت.^(۱۶)

از سقز نیز خبر می‌رسد: «در نزدیکی ربط نیروهای دشمن دیده شده‌اند و حتی مجهز به ضدهوایی شده‌اند و اطمینان دارند از این مسیر ستون [نیروهای خودی] عبور خواهد کرد [و] می‌توانند ضربه بزنند.» همین گزارش به نیروهای خودی هشدار می‌دهد که قبل از عزیمت، شناسایی و مراقبت کامل را انجام دهند تا نیروها در راه قتل‌عام نشوند.^(۱۷)

گزارش دیگری از تجمع نیروهای پیشمرگ کومه‌له با سلاح‌ها و تجهیزات سبک و سنگین در جاده مریوان - نوسود و دوراهی مریوان - دزلی و ارتفاعات دزلی و گردنه زارنه حکایت دارد.^(۱۸) در این حال، گزارش‌های متعدد دیگری همچون روزهای گذشته مبنی بر قصد و تصمیم گروه‌های مسلح غیرقانونی کرد برای تجمع و حمله همه‌جانبه در روز عید فطر وجود دارد که جهت پیشگیری‌های لازم هشدار داده است.^(۱۹)

در سنندج، ستون اعزامی این شهر به میوان پس از اجرای مأموریت، به سنندج بازگشت و نیروهای پادگان لشکر ۲۸ سنندج ضمن تجلیل از شهدای این ستون، آن را تا محل استقرار همراهی کردند. این ستون که حامل آذوقه و مواد سوختی برای اهالی میوان بود، روز پنجشنبه گذشته در گردنه گاران مورد حمله مهاجمان مسلح ضدانقلاب قرار گرفت و ۱۱ تن از افراد آن شهید و ۳۸ تن هم زخمی شدند. در این درگیری همچنین ۳۸ مهاجم کشته و عده زیادی از آنها مجروح شدند.^(۲۰)

در شهر ارومیه نیز ۴ بمب کار گذاشته شد. گزارش سپاه ارومیه حاکی است یکی از بمب‌ها صوتی بود که شب‌هنگام در کنار منزل مولودی، رئیس کمیته مرکزی ارومیه، منفجر شد و بر اثر آن شیشه‌های خانه وی و همسایگان خرد گردید. بمب دیگر در ساعت ۱۲:۳۰ ظهر، جلو دادگاه انقلاب و پیش از رسیدن نیروهای خشی‌کننده بمب، منفجر شد که تا شعاع ۱۰۰ متری شیشه‌های خانه‌ها و مغازه‌های اطراف شکست. یک بمب هم در ساعت ۳۰ دقیقه بامداد روز بعد، در پاساژ شهر منفجر شد، اما یک بمب ساعتی که در ورزشگاه تختی کار گذاشته شده بود کشف و خشی گردید.^(۲۱)

همچنین خبرهایی از درگیری‌های میان گروه‌های مسلح غیرقانونی منتشر شده که حاکی از اختلافات اساسی این گروه‌ها پس از انشعاب در حزب دمکرات کردستان می‌باشد. گزارش خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در این زمینه چنین است:

«در درگیری بین افراد حزب دمکرات و کومه‌له که در روز پنجشنبه ۱۶ مردادماه در اطراف مه‌باد رخ داد، ۴ تن از طرفین کشته شدند. براساس گزارشات تأییدشده‌ای افراد دمکرات در اطراف سردشت ۴۵ نفر از افراد کومه‌له را خلع سلاح و دستگیر کرده‌اند. در همین رابطه مهندس طاهری، استاندار آذربایجان غربی، گفت: ۱۵۰ نفر از افراد دمکرات در حومه سردشت ۱۷ نفر از افراد کومه‌له را دستگیر کرده‌اند و در همین رابطه کومه‌له اعتراض‌نامه‌ای منتشر ساخته است. وی همچنین گفت: برخورد این دو گروه سیاسی در مه‌باد مهم‌ترین واقعه بعد از انشعاب در حزب دمکرات کردستان است.»^(۲۲)

این درحالی است که مهندس هاشمی، معاون سیاسی و امور اداری استانداری آذربایجان غربی، درباره درگیری‌های چند شب گذشته در مناطق کردنشین این استان، اعلام کرد: «عوامل و دست‌هایی در کار است تا به وسیله شایعه و تبلیغات سوء، درگیری‌های چند روز اخیر در مناطق استان را بزرگ جلوه دهند تا زمینه را برای به وجود آوردن درگیری‌های بزرگ‌تر فراهم نمایند و به تشنج در مناطق مختلف از جمله مناطق حساس نقده، اشنویه و پیرانشهر دامن بزنند...»^(۲۳)

در ادامه محاکمه و مجازات عوامل دخیل در کودتای ۱۸ تیرماه گذشته، سحرگاه امروز، ۱۳ کودتاگر و یک سرتیپ ساواک تیرباران شدند. در این باره روابط عمومی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز اطلاعاتی منتشر کرد. در این اطلاعیه ضمن ذکر اسامی افراد تیرباران شده، آمده است:

«شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز برای رسیدگی به اتهامات ۱۳ تن که در کودتای نافرجام

علیه جمهوری اسلامی ایران در چهارشنبه ۵۹/۴/۱۸ شرکت داشتند، از تاریخ ۵۹/۵/۱۳ الی ۵۹/۵/۱۵ متناوباً تشکیل جلسه داد و پس از قرائت کیفرخواست و تفهیم مواضع اتهام و استماع مدافعات و آخرین دفاعیات متهمان، دادگاه ختم دادرسی را اعلام کرده و وارد شور شد و متهمین [را] به جرم یاغیان بر امام عادل و جمهوری اسلامی ایران و همچنین داشتن پشتیبان و تجهیزکننده نیرومندی چون امریکا و اسرائیل، مفسد فی الارض و محارب با خدا و رسول او تشخیص داده و به اعدام محکوم کرد. ...» در این اطلاعیه همچنین درباره محکومیت یک سرتیپ ساواک آمده است:

«درضمن، شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز جهت تجدیدنظر و رسیدگی مجدد به پرونده سرتیپ سابق حسین ترابی فرزند اسماعیل، در تاریخ شانزدهم مردادماه ۱۳۵۹ تشکیل جلسه داد و پس از استماع آخرین دفاعیات متهم، دادگاه وارد شور شد و حکم قبلی دادگاه را که متهم را محکوم به ۱۵ سال حبس و استرداد کلیه اموال کرده بود، لغو کرده و باتوجه به مدارک موجود در پرونده و اقرار صریح متهم در دادگاه و در اوراق بازجویی... محکوم به اعدام کرد.»^(۲۴)

همچنین، بعد از ظهر امروز، پس از محاکمه ۱۲ نفر از نظامیان متهم به شرکت در کودتای نافرجام، در شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، حکم برائت آنها صادر گردید و بعد از ظهر امروز همگی از زندان اوین آزاد شدند.^(۲۵)

۱۹۲

امروز در شهرستان محلات خانه عزت الله کفایتی وابسته به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) توسط سپاه بازرسی و اعلام شد که مقادیری مواد منفجره، مهمات و سلاح از این خانه کشف شده است. گزارش خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از محلات در این زمینه حاکی است:

«یکی از مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محلات ضمن تماس با خبرنگار ما اظهار داشت: ما از مدت ها قبل خانه کفایتی را زیر نظر داشتیم و به علت رفت و آمدهای مشکوک بدان کاملاً مظنون شده بودیم و با بررسی و کنترل جریاناتی که در آن می گذشت بالاخره تصمیم به بازرسی آن گرفتیم که ضمن بازرسی از خانه، مقدار قابل توجهی سلاح و مهمات از قبیل خشاب کلاشینکف، نارنجک، مواد منفجره، تیربار و کلت به دست آمد.»

این روزنامه سپس به نقل سخنان مسئول سپاه پاسداران محلات پرداخته و می نویسد:

«عزت الله کفایتی در حال حاضر فراری است و فعلاً در رابطه با همین پرونده ها افرادی را تحت نظر داریم و تعداد ۷ نفر را دستگیر کرده ایم که با قید ضمانت آزاد شدند و کارهای داخلی مان تمام نشده تا در خارج نامبرده را تعقیب نماییم و پدر ایشان مدت دو روز است که در بازداشت می باشد که به علت ارتباط با پسرش دستگیر نمودیم و الآن هم اظهار می نماید که "ما انتقامان را می گیریم، ما تنها نیستیم، صد هزار نفر پشتیبان ما هستند." و مواد منفجره آماده انفجار خیلی زیادی [در منزل کفایتی] بوده و ما رفتار مشکوکی که در اینجا به وجود آمده بود و گروه هایی که مرتب [به این خانه] رفت و آمد داشتند و شبانه تمرینات داشتند و افرادی که با

اینها در رابطه بودند را زیر نظر داشتیم و بعد، خلاصه، برادران پاسدار با حکم دادستانی روز پنجشنبه ساعت ۱۲ به منزل وی رفتند و پس از بازرسی این مواد کشف شد.^(۲۶) روزنامه جمهوری اسلامی در گزارش دیگری از این واقعه، همچنین به ذکر برخی سوابق و فعالیت‌های عزت‌الله کفایتی پرداخته و می‌نویسد:

«کفایتی یکی از اعضای باسابقه و فعال مجاهدین خلق [منافقین] است که تاکنون ازسوی کادر رهبری مجاهدین خلق به مأموریت‌های مهمی فرستاده شده است. پس از اشغال انقلابی سفارت امریکا و اوج‌گیری مبارزات دانشجویان انجمن‌های اسلامی در داخل و خارج کشور و پس از اینکه طرح پاک‌سازی و سالم‌سازی دانشگاه‌ها ازسوی انجمن‌های اسلامی مورد بررسی قرار گرفت، کفایتی ازسوی کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق مأموریت یافت تا تحت‌عنوان مخالفت با سازمان مجاهدین خلق، با چهره‌های سرشناس وارد مذاکره و گفت‌وگو شود و طرح ترور رهبران مجاهدین خلق را مطرح کند. هم‌زمان با این مأموریت، روزنامه مجاهد اعلام کرد که انقلاب فرهنگی توطئه‌ای برای قتل‌عام نیروهای مرفی است تا بدین‌وسیله همراه با یک برنامه تبلیغاتی زمان‌بندی‌شده از خروج گروه‌های سیاسی مخالف انقلاب اسلامی از دانشگاه‌ها جلوگیری به عمل آید. کفایتی در تعقیب مأموریت خود با حجت‌الاسلام موسوی تبریزی، رئیس دادگاه انقلاب تبریز، تماس گرفت و سؤال‌هایی در زمینه مسائل جاری کشور و بیشتر در جهت ایجاد اختلافات داخلی و نیز ترور رجوی و خیابانی مطرح ساخت که نتوانست جواب‌های دلخواه سازمان مجاهدین خلق را به دست بیاورد. کفایتی عین همین سؤالات را در یک گفت‌وگوی خصوصی از دکتر آیت کرد و طوری بحث را ادامه داد که حتی‌المقدور نظر سازمان را تأمین کند، که در این مرتبه جواب‌های دلخواه خود را در زمینه ترور به دست بیاورد، ولی در جهت اخذ نتایجی به‌منظور ایجاد شکاف در بین گروه‌های اسلامی تا حدودی موفق شد. سازمان مجاهدین خلق پس از حذف سؤال‌هایی که درمورد ترور رجوی و خیابانی بود بقیه نوار را در اختیار رئیس‌جمهور گذاشت و روزنامه انقلاب اسلامی قسمت‌هایی از آن نوار را انتخاب و منتشر نمود. ...»^(۲۷)

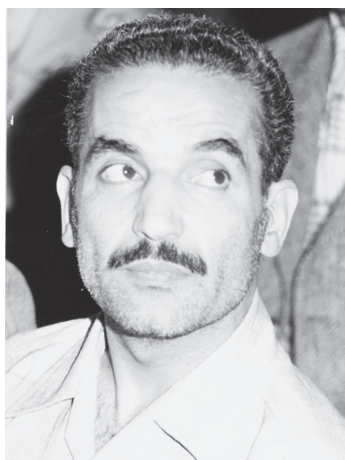
۱۹۳

موضوع مناقشه برانگیز انتخاب نخست‌وزیر و وزرا یکی از مهم‌ترین مسائلی است که درحال‌حاضر رئیس‌جمهور بنی‌صدر و مجلس شورای اسلامی با آن مواجه‌اند. پیش‌ازاین، بارها ازسوی رئیس‌جمهور بنی‌صدر اعلام شده بود که پس از اعلام آمادگی مجلس، نخست‌وزیر به مجلس معرفی خواهد شد و براین‌اساس مردم منتظر بودند که اولین دولت منتخب مردم در جمهوری اسلامی ایران لااقل از ده روز پیش کار خود را آغاز کند، اما درپی اختلاف دو جناح مطرح حاکم بر نظام، انجام این مهم به تعویق افتاد. گزارش روزنامه کیهان دراین‌باره حاکی است: «سرانجام به‌دنبال مذاکرات مفصل مجلس و رئیس‌جمهوری قرار شد هیئتی صلاحیت‌کاندیداهای نخست‌وزیری را [بررسی و آنان را] معرفی کند و درپی اعلام این خبر ۱۳ نفر از چهره‌های معروف سیاسی کشور

برای این پست اعلام کاندیداتوری کردند و یا ازسوی دیگران برای این پست معرفی شدند. این هیئت کار رسیدگی به صلاحیت کاندیداها را امروز و فردا به پایان خواهد برد و برابر خبرها، اولین نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران ظرف امروز و فردا معرفی خواهد شد.

این روزنامه سپس به نقل اظهارات یکی از کاندیداهای مطرح پرداخته و نوشته است: «محمدعلی رجایی، وزیر آموزش و پرورش و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در یک مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری پارس نقطه‌نظرهای خود را درباره نحوه عمل مجلس شورای اسلامی و اظهارنظر آقای رئیس‌جمهور درمورد ایشان و برنامه‌هایی که نخست‌وزیر آینده باید داشته باشد تشریح کرد. آقای رجایی در جواب این سؤال که مجلس چه خطی را در شرایط کنونی دنبال می‌کند؟ گفت: مجلس امتحان خودش را در بعضی از برخوردها داده است و تصویب اعتبارنامه آقایان غضنفرپور و آیت‌نشان داد که مجلس نه در خط حزب است و نه برعلیه آقای رئیس‌جمهور؛ برای اینکه اگر می‌خواست در خط حزب جمهوری اسلامی باشد به نظر می‌رسید که مثلاً اعتبارنامه آقای غضنفرپور را تصویب نکند.»

آقای رجایی درمورد گزینش نخست‌وزیر گفت: «تجربه دیگر مجلس برخورد آن با کاندیدای نخست‌وزیر منتخب آقای رئیس‌جمهور و حزب بود و به‌طوری‌که اعلام شده است، درباره آقای میرسلیم، آقای رئیس‌جمهور و حزب به تفاهم رسیده بودند، ولی مجلس با خطی که مشخصاً خودش دارد و به اعتقاد من خط انقلاب و خط امام است، در مقابل این انتخاب مقاومت کرد و این نشان می‌دهد که مجلس به دنبال خط خاص خودش است. ...»



رجایی کاندیدای نخست‌وزیری: نخست‌وزیر باید در خط امام باشد و براساس قانون اساسی کار کند و من این منطق را می‌پسندم.

آقای رجایی درمورد این گفته رئیس‌جمهوری که نخست‌وزیر باید با رئیس‌جمهوری کار کند گفت: «مجلس می‌گوید نخست‌وزیر باید در خط امام باشد و براساس قانون اساسی کار کند و من این منطق را می‌پسندم که نخست‌وزیر می‌تواند با معیار قانون اساسی با مقام ریاست‌جمهوری و نه شخص معین و با مجلس و نه نماینده معین کار کند و اگر ما معیار شخص را به معیار قانون اساسی تبدیل کنیم از این بن‌بست خارج می‌شویم. با قانون اساسی می‌توان جلو هرگونه حرکت غلط یا خودسری را گرفت. ... این تنها آقای رئیس‌جمهوری نیستند که احساس مسئولیت می‌کنند، بلکه ۲۷۰ نماینده مجلس با احساس مسئولیت کامل اعمال دولت را کنترل خواهند کرد.» رجایی همچنین اظهار کرد: «من از کابینه مختلط صددرصد به دور هستم و معتقدم کابینه باید به‌طور یکدست از انقلابیون در خط امام باشد.»^(۲۸)

در این حال، بنی صدر در یادداشت‌های روزانه خود، درباره مذاکرات امروزش با برخی نمایندگان مجلس، به سوابق این مناقشه پرداخته و چنین می‌نویسد: «صبح هیئتی از مجلس برای احراز صلاحیت داوطلبان نخست‌وزیری نزد من آمدند، گفت‌وگوی مفصلی انجام گرفت. من به آنها گفتم آنکه در بیان امام بود "سر چه اختلاف دارند"، اختلاف را چه کسی با چه کسی دارد؟ چون تا آنجا که به رئیس‌جمهور مربوط می‌شود، کاری را که من کرده‌ام، هیچ رئیس‌جمهوری در هیچ تاریخی نکرده است. نخست براساس پیشنهادی به حزب جمهوری که خود آنها هم قانع شدند یا شاید قانع بودند من با آنها شوخی کردم، گفتم قصد شما از مطرح کردن آن دو نفر [جلال‌الدین فارسی و محمدعلی رجایی] برای سومی [میرسلیم] بود که براساس تفاهم من او را به مجلس معرفی کردم. بعد در جلسه خصوصی بحث و گفت‌وگو کردید، از من خواستید به مجلس آمدم صحبت کردم. پیشنهاد کردیم هیئتی تشکیل شود و احراز صلاحیت بکنند، همه کسانی که به من پیشنهاد شده بود [۱۴ نفر] ضمن یک نامه‌ای برای شما صورت دادم که شما ببینید اینها مکتبی هستند، مسلمان هستند، صلاحیتشان به چه میزان است. شما رفتید به دنبال احراز صلاحیت، بعد هم آمدید. پس، از ناحیه من ترک اولی‌ای نبوده، تفاهم طلبی هم بوده. من هم می‌دانستم و می‌دانم و اگر بنا بر این بود که اختلاف و مقابله باشد روش دیگری در پیش می‌گرفتم. ولی اینکه گمان برود روش صحیح حکومتی این است که ما برای هر مسئولی یک مقابلی درست کنیم که نتواند تکان بخورد، این کار کشور را به بن‌بست می‌کشاند و در این بن‌بست انقلاب و کشور زیان می‌بیند. ... بالاخره آنها گفتند با مطالعاتی که کرده‌اند یک نفر [رجایی] را هم صالح‌تر یافته‌اند و هم گفته‌اند که در مجلس زمینه بیشتری دارد. من گفتم که شما در مجلس خصوصی آن ۱۴ نفر را به رأی بگذارید، اگر تمایل مجلس به کسی شد که من دلم از او قرص نبود، سکوت می‌کنم. یکی از اعضای هیئت پرسید: آیا شما در سخنرانی‌هایتان هم حرفی نمی‌زنید؟ گفتم: چرا، وقتی که معلوم شد حق با من است و آن روز که معلوم شد روش پیشنهادی من درست است آن روز حرف می‌زنم ولی تا آن روز، نه.»^(۲۹)

بنی صدر همچنین شامگاه امروز در سخنرانی خود در مسجد سیدالشهدای نازی‌آباد ضمن بحث درباره سیر انتخاب نخست‌وزیر و مناقشاتی که در این زمینه با حزب جمهوری اسلامی داشته‌اند، درباره یکی از کاندیداهای مطرح؛ یعنی محمدعلی رجایی چنین گفت: «اما می‌ماند آقای رجایی. آقای رجایی حرف را می‌شنود اما آنچه که خودش می‌خواهد می‌کند و تفاهم در این صورت مشکل است با او. اولاً کم گوش می‌دهد به حرف و بحث با او مشکل است و در مواردی هم که بحث را می‌شنود، کمتر عمل می‌کند. و دوم اینکه اطلاع از امور کشور ندارد، یک نخست‌وزیر باید اطلاعات وسیعی داشته باشد از مسائل کشور.»^(۳۰)



بنی صدر رئیس‌جمهور: رجایی حرف را می‌شنود اما آنچه که خودش می‌خواهد می‌کند. او اطلاع از امور کشور ندارد.

بنی صدر در مورد آخرین گفت‌وگوهای خود با هیئت تعیین‌شده و آخرین تصمیمات خویش درباره انتخاب نخست‌وزیر گفت: «امروز صبح آمدند آنجا پیش من همان هیئت. گفتند بین اینهایی که معرفی شدند، بعضی‌شان که خودشان نمی‌خواهند و بعضی‌شان زمینه ندارند و ما مناسب‌ترین را آقای رجایی یافتیم؛ چون شما گفتید که ایشان صادق‌اند، اما خب، این عیب را دارند که اطلاعاتشان کم است یا ندارند و اینکه خشک‌سرنده؛ این اصطلاح را به کار بردید. و حالا خودشان آمدند اینجا و می‌گویند آن مواردی که شما اشاره کردید، نه، رویش درست روایت نکرده. خودشان هم یک توضیحاتی داد. گفتم خُب پس شما بروید مجلس، مجلس خصوصی بکنید نسبت به این عده رأی بگیرید. من اگر اطمینان قلبی داشتم نسبت به آن کسی که شما رأی دادید، خب، می‌گویم بله، همکاری وجود دارد و عمل می‌کنم. اگر نداشتیم، غیر از سه نفر که

اسم بردم اینها را به مردم خواهم گفت که من مسئول اینها نیستم و رئیس‌جمهوری را مردم انتخاب کرده‌اند که استواری حکومتشان به او باشد. پس باید این حق را برای خودش حفظ بکند. ...»^(۳۱)

۱۹۴

وضعیت دیپلماسی و سیاست‌های وزارت امور خارجه در طول هشت ماه تصدی صادق قطب‌زاده در این سمت، در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی، با حضور وی مطرح شد و وزیر امور خارجه به پرسش‌های صریح برخی نمایندگان پاسخ گفت.

وی در بخشی از سخنانش اظهار کرد: «آنچه در زمینه سیاست خارجی انجام شد در یک چارچوب معین و مشخص نبود و ناظر بر این بود که شخص وزیر خارجه آن‌طوری که مصلحت می‌بیند با توجه به مقتضیات عمل کند و ثانیاً تمام تصمیماتی که گرفته شد و جنجال به پا کرد یا نکرد به‌طور مشخص با تصویب شورای انقلاب اسلامی انجام گرفته است.» وی افزود: «... اما اصول سیاست خارجی ما براساس قول و فعل امام بود (که زمینه اصلی هم همین بود) اصل و اساس این سیاست، سیاست نه شرقی و نه غربی بود و ما اگر با امریکای جهان‌خوار در جنگ هستیم این دلیل بر این نیست که ما به ابرقدرت دیگر که او هم متجاوز و جنایتکار است رو بیاوریم. ... ولی طبیعتاً نوکران سیاست شرق بسیار گفتند و تهمت زدند. و حالا کسانی که سال‌ها به نوکری روسیه مشغول بوده‌اند، اینها شده‌اند خط امام و به ما تهمت امریکایی می‌زنند. (هاشمی رفسنجانی: چه کسانی؟ قطب‌زاده: حزب خائن توده).»

وی سپس دربارهٔ رویارویی با دو بحران پیش روی خود چنین گفت: «در ۸ ماه گذشته که در وزارت خارجه بودیم من با دو بحران بزرگ بین‌المللی در ابعاد بسیار وسیعی روبه‌رو شدم. یکی مسئلهٔ گروگان‌ها که به تفسیر سیاستمداران بزرگ دنیا یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های بین‌المللی بعد از جنگ جهانی دوم بود. ۸ ماه است که این بار را به دوش می‌کشم و فحش می‌شنوم و نفس نکشیدم و این بار را تا به اینجا کشیدم. به این مسئله جنایت روسیه در افغانستان اضافه شد که یکی دیگر از بزرگ‌ترین بحران‌های بین‌المللی بوده و هست، که بار اصلی آن باز به دوش وزارت خارجه و به یک معنا بر دوش وزیر بود. ولی متأسفانه در زمینهٔ اعمال سیاست خارجی رسانه‌های گروهی این مملکت خصوصاً رادیو تلویزیون نقشی بسیار مخرب و منفی داشتند؛ از این لحاظ که کشورهای دیگر تصور می‌کنند که رادیو تلویزیون ایران نظر قطعی دولت ایران را می‌گوید.»

قطب‌زاده در پاسخ به این سؤال فخرالدین حجازی که: چرا کارمندان وزارت امور خارجه در اوایل ماه مبارک رمضان در سفارتخانهٔ دولت صدام خائن به‌عنوان تبریک به سالگرد تأسیس ننگین حزب بعث حاضر شده و با خوردن ویسکی و شامپانی شادی کرده‌اند؟ ضمن استناد به نامهٔ سفارت عراق که هرگز در سفارت عراق مشروب خورده نشده است، گفت: «اتهامی زده شده که مأمورین ما در آن جشن شرکت کرده‌اند. این جداً دروغ و کذب محض است و حتی یک نفر هم از مأمورین وزارت امور خارجه که ۴ نفر از آنها را به این جلسه دعوت کرده بودند، در آن شرکت نکردند.»



وزیر خارجه افزود: «سؤال بعدی این است که پس از فرمان امام، دانشجویان ایرانی برای از بین بردن آرم‌های طاغوتی به سفارتخانهٔ ایران در فرانسه می‌روند و در حالی که به عکس شاه مخلوع و فرح و روزنامهٔ کثیف آزاد بختیار در روی میز اعتراض می‌کنند، دستور بازداشت آنها توسط سفیر ایران به وسیلهٔ پلیس فرانسه صادر می‌کند و آنها را ضدانقلاب خطاب کرده و به دانشجویان دختر و پسر توهین می‌کنند. در جواب باید بگویم اولاً موقعی که به ما خبر رسید که عده‌ای وارد سفارتخانه شده‌اند کوچک‌ترین اطلاعی از هویت آنها نداشتیم. از اتحادیهٔ دانشجویان مسلمان سؤال کردیم آنها هم گفتند ما این افراد را نمی‌شناسیم. اجازهٔ تماس با مأمورین سفارتخانه و سفیر نیز به ما داده نشد. طبیعتاً با تجربه‌ای که از سفارت ایران در انگلیس داشتیم دچار ترس و وحشت شدیم که مبدا اینها خرابکار باشند و لذا دستور تخلیه‌شان را دادیم.

قطب‌زاده در پاسخ به سؤالات نمایندگان مجلس:

آنچه در زمینه سیاست خارجی انجام شد به‌طور مشخص با تصویب شورای انقلاب بود؛

هیچ‌کدام از مأموران ما در مراسم سفارت

عراق حاضر نشدند؛ دولت فرانسه و عوامل خودشان از ماجرای ترور بختیار مطلع بوده‌اند.

در اطلاعیه همین افراد آمده بود که با نهایت صلح و صفا وارد سفارتخانه شدیم. اما واقعیت قضیه این بود که سه نفر را با زنجیر آنچنان زده بودند که دو نفر آنها مدتی در بیمارستان بودند... ثانیاً یک دانه عکس درمجموع سفارتخانه وجود نداشت و تعدادی از این تابلوها را از همان بدو قضیه به زیرزمین آنجا برده بودند و قبل از آنکه امام به ایران تشریف بیاورند عکس‌های این ظلمه از سفارتخانه ایران در پاریس برداشته شد.»

قطب‌زاده در رابطه با ترور بختیار در پاریس اظهار کرد: «سؤال شده که اخیراً [گروهی موسوم به "سازمان] جوانان انقلابی مستضعفان جهان" که دست‌ملت شهیدپرور ایران می‌باشند، جان‌برکف تا در اتاق بختیار برای اجرای حکم پیش می‌روند، شما آنها را طرف‌دار شاه مخلوع خطاب کرده و به مقدسات پاک نسل جوان توهین کرده و به اصطلاح دمکراتیک حرف می‌زنید. باید بگویم... آقای بنی‌صدر و آقای سیداحمدآقا هم از این موضوع بی‌خبر بودند. در نتیجه تحقیقات معلوم شد که ۱. دو ماشین پلیس که در تمام ۲۴ ساعت دم‌خانه بختیار وجود دارند ساعت ۸:۲۰ دقیقه از دم در رفته‌اند و ۵۰۰ متر آن‌طرف‌تر نگه داشتند. ۲. یکی از پلیس‌هایی که همیشه در آنجا حضور دارد و مسلح به مسلسل و جلیقه ضدگلوله است، او هم در آن ساعت در آنجا نبود. ۳. بختیار هیچ‌وقت جلیقه ضدگلوله نمی‌پوشید، اما آن روز پوشیده بود و این را از دارودسته داخل خانه بختیار فهمیدیم. ۴. دو نفر از گاردهای بختیار که تا آن روز مسلح نبودند آن روز مسلح بودند. ۵. پسر بختیار خائن که عضو رسمی پلیس فرانسه است آن روز نه‌تنها در منزل بختیار خائن بوده بلکه در راه او باز کرده است. باتوجه به این اطلاعات ما اعلام کردیم که دولت ایران کوچک‌ترین اطلاعی از این ماجرا ندارد و با اطلاعاتی که داریم دولت فرانسه و عوامل خودشان قبلاً از این حادثه مطلع بودند. و اگر مصلحت بود در یک جلسه خصوصی خواهم گفت که طبق اعترافات دستگیرشدگان، آنها از چه دولتی پول می‌گرفته‌اند. ...»^(۳۲)

۱۹۵

در حالی که اعتصاب غذای ۷۰ دانشجوی ایرانی دستگیرشده در لندن در زندان‌های این کشور ادامه دارد، امروز وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اطلاعیه‌ای درخصوص دستگیری این دانشجویان و اقدامات وزارت امور خارجه در این‌باره صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «در پی دستگیری ۷۰ نفر از دانشجویان مقیم انگلیس که روز دوشنبه در حین تظاهرات در مقابل سفارت آمریکا در لندن دستگیر و توقیف شده بودند، کاردار ایران در سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن در همان روز طی یک نامه فوری به مقامات پلیس، رفتار نامناسب مأموران پلیس را نسبت به دانشجویان به آنها گوشزد می‌کند و روز بعد، کاردار سفارت ایران در لندن طی ملاقات با مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه انگلیس اعتراض شدید خود را نسبت به اعمال بی‌رحمانه پلیس ابراز داشته و خواستار آزادی بدون قید و شرط

دانشجویان می‌گردد. پس از این ملاقات، کاردار سفارت ایران در لندن به همراه مأمور وزارت امور خارجه انگلیس به زندان مقرر دانشجویان رفته و با ایشان که دست به اعتصاب غذای خشک زده بودند ملاقات می‌نماید.^(۳۳) این اطلاعیه می‌افزاید:

«دولت انگلستان اعلام نموده تا زمانی که این دانشجویان هویت خود را ابراز نکنند نمی‌توانند آنها را محاکمه و یا آزاد کند و از طرف دیگر دانشجویان نیز گفته‌اند مادام که آزادی بی قید و شرط آنها تضمین نشود از اعلام اسم خویش خودداری خواهند کرد و به اعتصاب غذا نیز ادامه خواهند داد. امروز (روز پنجشنبه) نیز کاردار ایران از عده دیگری از دانشجویان که به علت کمی سن در دارالتأییب به سر می‌برند بازدید کرده و طبق اطلاع، حال سه تن از آنها تاکنون بسیار وخیم می‌باشد. در حال حاضر کاردار سفارت ایران در لندن اقدام به گرفتن وکیل برای دانشجویان کرده تا نسبت به رفتار بی‌رحمانه پلیس انگلیس که به ناحق دانشجویان را توقیف کرده‌اند اقدام نماید.»^(۳۴)

یادآوری می‌شود با آنکه پس از گذشت بیش از دو هفته از بازداشت و ضرب و شتم دانشجویان تظاهرکننده ایرانی، این افراد دیروز از زندان‌های امریکا آزاد شدند، امروز نیز چند صد تن از دانشجویان مسلمان ایرانی در خیابان‌های واشنگتن دست به تظاهرات زدند. مخابره صدای امریکا گزارش کرده است که تعداد زیادی از امریکاییان با دادن شعارهایی مبنی بر درخواست اخراج ایرانیان از امریکا، بر سر راه این تظاهرکنندگان قرار گرفته‌اند. تظاهرکنندگان نیز با فریادهای زنده باد خمینی به امریکاییان پاسخ می‌گویند. ضمناً قریب ۲۰۰ دانشجوی ایرانی که دیروز آزاد شدند نیز در تظاهرات امروز شرکت کرده‌اند.^(۳۵) رادیو صدای امریکا در بخش خبری دیگر خود درباره پاسخ رسمی مقامات امریکا به شکوائیه ایران به دبیرکل سازمان ملل درباره بدرفتاری و شکنجه دانشجویان ایرانی در بند، چنین می‌گوید: «کورت والد هایم طی نامه‌ای [که] به عنوان دانالد مک هنری ارسال کرده بود، اتهامات ایرانیان مبنی بر نقض حقوق بشر در رابطه با ایرانیانی که در جریان تظاهرات بیست و هفتم ژوئیه [۵ مردادماه] در واشنگتن دستگیر شده بودند [را] بازگو کرده بود. نماینده امریکا در سازمان ملل در جوابیه خود ضمن اعلام خبر آزادی ایرانیان گوشزد کرده بود که اگر تظاهرکنندگان در ابتدای کار با مقامات انتظامی همکاری می‌کردند و هویت خود را افشا می‌کردند از ادامه بازداشت آنها جلوگیری می‌شد.»^(۳۶)

ضمیمه گزارش ۱۸۷: نگاهی به درآمدهای نفتی عراق در گزارش نشریه اخبار مالی بین‌المللی

در گزارش نشریه فوق آمده است: «کشور عراق در حال حاضر دومین تولیدکننده و صادرکننده عمده نفت در اوپک می‌باشد. تولید نفت که در اواسط دهه ۱۹۷۰ حدود ۲ میلیون بشکه در روز بود در دوره ژانویه - مه ۱۹۸۰ به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید و صادرات نفت حدود ۳/۳ میلیون بشکه در روز بود. عراق طرفدار تشدید افزایش قیمت نفت نیست و بیشتر پیرو ترقی قیمت این کالا در چارچوب اوپک می‌باشد و در اول ژوئیه قیمت نفت سبک بصره به ۳۱/۹۶ دلار در هر بشکه افزایش یافت که ۴ دلار بیشتر از قیمت نفت مشابه عربستان سعودی می‌باشد. درآمد نفت از محل صادرات در سال ۱۹۸۰ به ۳۴/۵ میلیارد دلار خواهد رسید. علی‌رغم افزایش واردات، مازاد حساب جاری حدود ۲۰ میلیارد دلار در سال جاری پیش‌بینی گردیده است. (اخبار مالی بین‌المللی، ۴ اوت ۱۹۸۰).»^(۳۷)

ضمیمه گزارش ۱۹۳: بخش‌هایی از سخنرانی امروز بنی‌صدر در مسجد سیدالشهدای نازی‌آباد و حوادث پس از سخنرانی بنی‌صدر با اشاره به این نکته که کار رادیو تلویزیون کوبیدن نیست بلکه سازندگی است، گفت: «حرف من این است که صبح که رادیو را باز می‌کنی مشغول تصفیه حساب‌اند تا وقتی که شما بخوابید. از خارجه به من گفته‌اند که در سرویس‌های خارجی رادیو و تلویزیون ما یک کلمه خبر، که دولت چه می‌کند، رئیس‌جمهور چه می‌کند، پخش نمی‌کند. پس معلوم به اینکه مدیرعامل رادیو و تلویزیون آدم مکتبی از نظر من هم است، هم قاطع است، اما دست‌هایی دخالت کرده‌اند و مانع از این شده‌اند که او بتواند در آنجا نظم و انضباط اسلامی برقرار بکند. و این است دلیل انتقاد من به رادیو و تلویزیون. ... و چون چنین نمی‌کند من انتقاد می‌کنم و این انتقاد را آن‌قدر ادامه می‌دهم تا اصلاح بشوند. اگر هم نشد، من تردیدی در دعوت مردم برای اینکه آنجا را با هجوم مردم اصلاح بکنیم به خود راه نخواهم داد.»

بنی‌صدر در ادامه سخنان خود به تشریح اقداماتی که برای تشکیل دولت جدید از زمان انتخابش به‌عنوان رئیس‌جمهوری انجام شد و مذاکراتی که در این زمینه با اعضای شورای انقلاب داشته است پرداخت و با اشاره به این نکته که وی در دوازدهم فروردین، حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی را به‌عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد کرده است، گفت: «روزی فرزند امام پیش من آمد و گفت که می‌آیند و می‌گویند (همین چیزهایی که نوارش در آمد) که یک وقت قضیه مصدق و کاشانی پیش نیاید. و من گفتم بسیار خوب، ما اگر خیال می‌کنیم که اهل علم و تحقیق و زحمتیم، ما نمی‌خواهیم داستان شکست‌ها تکرار شود و دلیلی ندارد که ما انقلاب را به پیروزی نرسانیم و بخواهیم دعوای محبوبیت کنیم، اگر قضیه مصدق و کاشانی پیش بیاید و حالا برای اینکه نتوانند تبلیغات سوء بکنند و حرف‌ها را عوض و بدل کنند و بگویند، شما را پیشنهاد می‌کنم که بشوید نخست‌وزیر، که اطمینان کامل باشد که قضیه مصدق و کاشانی پیش نخواهد آمد. پس قضیه استفاده از نفوذ امام و معنویت در کار نبود، مسئله این بود. ... او را هم امام قبول نکرد.»

بنی‌صدر همچنین گفت: «راجع به دولت؛ من گفتم... چون یکی از شئونات رئیس‌جمهوری این است که رئیس‌قوه مجریه است؛ یعنی نخست‌وزیر و وزرا همکاران او هستند، خب، همکاران من را می‌شود که من آنها را نپسندم، معنایش این است که من را صغیر فرض می‌کنند و برایم قیم نصب می‌کنند. قانون هم می‌گوید پیشنهاد نخست‌وزیر با رئیس‌جمهوری است و نخست‌وزیر هم باید وزارتیش را با تصویب رئیس‌جمهور معین کند. خب، حرف‌ها و نقل‌ها ادامه پیدا کرد و... خلاصه... قرار شد که من آقای میرسلیم را به مجلس معرفی نمایم. آنها هم ایشان را حمایت بکنند بلکه میرسلیم در مجلس مقبول بشود. ... و بعد من را دعوت کردند به مجلس. من رفتم و [در مجلس] گفتم برای اینکه مسئله‌ای پیش نیاید و در داخل و خارج از کشور عنوان نشود که طرفیت هست و ما باهم مقابلیم، بهتر است که شما یک هیئتی را معین کنید و یک نماینده هم من معین کنم تا اینها بنشینند بین کسانی که داوطلب‌اند احراز صلاحیت بکنند و بین آنها ما یک کسی را که تفاهم راجع بهش هست ایشان را به مردم معرفی کنیم. من یک نامه نوشتم به آن هیئت و ۱۴ نفر که به من پیشنهاد شده بود معرفی کردم.» بنی‌صدر با ذکر افرادی که از لیست ۱۴ نفری حذف کردند گفت: «ایدا از کسانی که فکر می‌کنند کاملاً همکاری می‌توانند با من داشته باشند، آنها را بزنند تا نوبت برسد به آنهايي که نمی‌توانند و گفتم این اشخاصی هم که زدند اسم بردم: آقای سلامتیان، نوبری، حبیبی، مهندس سبحانی، میرسلیم و بعد کلانتری. اینها به‌تدریج زدند تا برسند به آنجایی که کسانی انتخاب بشوند که همکاری نمی‌توانند بکنند. ... این نامه را هم نوشتم و گفتم اگر شما بین این چهار نفر می‌خواهید، من نمی‌توانم با آنها همکاری کنم. ده تای بقیه‌اش را می‌پذیرم که همکاری کنم، گرچه من صالح‌تر از آنها می‌شناسم برای نخست‌وزیری. ... اگر من بنایم بر دعوا و این حرف‌ها بود خیلی راه خوبی داشتم. هم با حزب می‌توانستم دعوا راه بیندازم و هم با مجلس. آن هم این‌طور بود: شروع می‌کردم یک‌به‌یک نخست‌وزیر معین کردن و آنها هم رد می‌کردند. درست‌ه؟ دیگر بیشتر از این که نمی‌شد؟ چند نفر را رد می‌کردند؟ ... من بنایم تضعیف مجلس نبوده و نیست. برای اینکه مجلس ضعیف به زیان جمهوری است و به زیان شخص رئیس‌جمهوری است. مجلس قوی مجلسی است که از خود استقلال داشته باشد و خط مستقیم برود و در امور، جانب انصاف را از دست ندهد و اجازه ندهد که این گروه و آن گروه از عنوان مجلس به نفع خودشان استفاده کنند.»^(۳۷)

در پایان سخنرانی تحریک‌آمیز بنی‌صدر، بنا به گزارش خبرگزاری پارس، حاضرین درحالی که با سخنان بنی‌صدر تحریک شده بودند با سردادن شعارهای تند علیه حسن آیت دست به راه‌پیمایی زدند.^(۳۸)

منابع و مآخذ روزشمار ۱۳۵۹/۵/۱۶

۱. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۲، ۱۳۵۹/۵/۱۶، صص ۱۱ و ۱۲، رادیو صدای آمریکا، ساعت ۷، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۲. پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، جنگ ایران و عراق از نگاه مطبوعات جهان، ج ۱، "زمینه‌سازی و آغاز تهاجم"، به قلم یونس محمد اسحاق، ۱۳۸۰/۸/۷، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ترجمه نعمت الله سلیمانی خواه. تهران: انتشارات شکیب، ۱۳۸۷، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.
۳. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۲، ۱۳۵۹/۵/۱۶، صص ۳ و ۴، رادیو کلن آلمان غربی (فارسی)، ساعت ۲۱، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۴. سند شماره ۵۶۴۸۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از ستاد عملیات غرب به مرکز فرماندهی، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۸، گزارش خبرنگار کیهان از قصر شیرین.
۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۸، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از قصر شیرین.
۷. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱۹، به نقل از گزارش دایره سیاسی - ایدئولوژیک لشکر ۸۱ زرهی.
۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۸، ص ۳، به نقل از خبرگزاری پارس از کرمانشاه.
۹. سند شماره ۴۰۹۲۸۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کامیاران)، ص ۶۴، به نقل از بولتن خبری مرکز فرماندهی - عملیات سپاه، ص ۱.
۱۰. سند شماره ۲۸۷۲۹۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از واحد هماهنگی نیروهای انتظامی خرمشهر به واحد هماهنگی نیروهای انتظامی استان خوزستان، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۱۱. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۸، به نقل از خبرگزاری پارس از خرمشهر.
۱۲. همان، به نقل از خبرگزاری پارس از اهواز، به نقل از گزارش ستاد خبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اهواز.
۱۳. نامه مردم، شماره ۳۰۲، ۱۳۵۹/۵/۱۶، صص ۱ و ۷، ۸.
۱۴. همان، صص ۷ و ۸.
۱۵. سند شماره ۴۰۹۲۸۰ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، پیشین.
۱۶. سند شماره ۵۶۴۷۵ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از سماج ۳ (مرکز فرماندهی) به نزاجا، ۱۳۵۹/۵/۱۶؛ و - سند شماره ۴۰۹۲۸۰ مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کامیاران)، ص ۶۴، به نقل از بولتن خبری مرکز فرماندهی - عملیات سپاه، ص ۱.
۱۷. سند شماره ۱۱۴۸۸۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (سردشت)، ص ۴۹، از واحد اطلاعات و بررسی‌های سیاسی کردستان به لشکر ۲۸ (رکن ۲)، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۱۸. سند شماره ۱۱۴۸۸۷ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: از
- لشکر ۲۸ (رکن ۲) به ستاد عملیات مشترک ارتش و سپاه پاسداران، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۱۹. سند شماره ۵۶۴۶۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (کردستان)، ج ۱، ص ۱۹۷، از مرکز فرماندهی به کلیه واحدهای غرب (ارومیه، سنندج، کرمانشاه)، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۲۰. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳، به نقل از خبرگزاری پارس از سنندج.
۲۱. سند شماره ۴۰۹۲۸۰ مطالعات و تحقیقات جنگ: اسناد مناطق کردنشین (ارومیه)، ص ۱۳۶، به نقل از بولتن خبری مرکز فرماندهی - عملیات سپاه، ص ۱؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱۹، به نقل از خبرگزاری پارس از ارومیه؛ و - روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۹، ص ۲، خبرنگار کیهان از ارومیه.
۲۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰، ص ۴، خبرنگار جمهوری اسلامی از ارومیه.
۲۳. روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳، خبرنگار اطلاعات از ارومیه در گفت‌وگوی اختصاصی با معاون سیاسی و امور اداری استانداری.
۲۴. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۲؛ و - روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۶، صص ۱ و ۲؛ و - روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۱.
۲۵. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۸، ص ۳.
۲۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۹، ص ۲، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از محلات، ۱۳۵۹/۵/۱۸.
۲۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۸، ص ۲، خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از محلات.
۲۸. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۳؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۶، به نقل از خبرگزاری پارس.
۲۹. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۸، صص ۱ و ۱۴.
۳۰. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۸، صص ۱ و ۲.
۳۱. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۹، صص ۱ و ۳.
۳۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، صص ۴۰۰ و ۴۰۱؛ و - روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۸، ص ۱۴.
۳۳. روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۵/۱۸، ص ۲.
۳۴. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۲، ۱۳۵۹/۵/۱۶، ص ۸، رادیو صدای آمریکا (فارسی)، ساعت ۲۱:۳۰، ۱۳۵۹/۵/۱۶.
۳۵. همان، ص ۹، ساعت ۷:۰۰.
۳۶. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۶/۱۰، ص ۱۰.
۳۷. روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۱۹، صص ۱ و ۳.
۳۸. خبرگزاری پارس، نشریه گزارش‌های ویژه، شماره ۱۴۵، ۱۳۵۹/۵/۲۰، ص ۱، تهران، ۱۳۵۹/۵/۱۹.